

## آرامگاه صائب تبریزی

در شماره ۹۱ (زمستان) سال ۱۳۸۶ شمسی مقاله دوست عزیز جناب آقای دکتر سیّد مرتضی موسوی مدیر محترم فصلنامه دانش [نشریه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان] که تحت عنوان «سهم سخنوران اصفهانی دوره صفویه در گسترش فرهنگ و دانش فارسی در شبه قاره» که در صفحه ۱۵۵ به چاپ رسیده است را خواندم. در ضمن تذکر آرامگاه صائب تبریزی در مقاله مزبور چنین قید گردیده است:

«... بیت زیر از یک غزلش بر سنگ قبر نقش شده است:

در هیچ پرده نیست نباشد نوای تو عالم پر است از تو و خالی ست جای تو»

آنچه ایشان درباره آرامگاه صائب تبریزی مرقوم فرموده‌اند حالا صحبت عهد پارینه شده. در حال حاضر تغییراتی که در آن مکان داده شده است در اینجا ارائه می‌گردد، شاید مورد پسند واقع شود.

قبلاً چه نوع بنایی روی آرامگاه صائب قرار داشت از تذکرها‌های شعرا واضح و روشن نیست. شاید روی چهار طاقی، گنبدی شکل شبیه گنبد مسجد شیخ لطف الله، البته از آن خیلی کوچک‌تر قرار داشت و روی آن بنا به گفته محمد افضل سرخوش صاحب کلمات الشعراء و بندرا بن داس صاحب سفینه خوشگو بیت زیر نوشته شده بود:

«گویند مرقدش در باغچه‌ای پر از ریاحین بر کنار رود واقع است. صاحب

سخنی در آنجا رسیده، این بیت بر مرقدش نوشته:

ای صبا! آهسته پا بر برگ‌های غنچه نه پاسبانند گل‌ها، صائبا خوابیده است»<sup>۱</sup>

۱. کلمات الشعراء نگاشته محمد افضل سرخوش (۱۰۵۰-۱۱۳۷ ق) و ویراستاری آقای علی رضا قزوه، چاپ کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. تهران ۱۳۸۹، ص ۱۲۰.  
سفینه خوشگو (دفتر دوم). تألیف بندرا بن داس خوشگو (حدود ۱۰۷۸ یا ۱۰۸۸ - ۱۱۷۰) تصحیح دکتر سیّد کلیم اصغر. ویراستاری علمی: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

این مقاله به خاطر این نوشته شده که فرهیختگان ادبیات شیرین فارسی و زایران این سراینده نامور و همچنین آیندگان بدانند که در قرن حاضر [چهاردهم هجری/بیستم و بیست و یکم میلادی] چه تغییراتی در این مکان داده شده و آقای مهندس مرتضی فرشته نژاد که خود ایشان اصفهانی هستند در بازسازی این بنا چه قدر علاقه داشته‌اند و حالا هم دارند.

ضمناً معروض می‌دارد به تاریخ ۶ بهمن ماه سال ۱۳۸۶ شمسی (۲۶ ژانویه ۲۰۰۸) این جانب از دست مبارک جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهور کشور اسلامی ایران جایزه اول جشن فارابی را به عنوان صائب شناس دریافت نمودم. چون برای زیارت آرامگاه صائب و ایصال ثواب به روح پرفتوحش به اصفهان رفتم متوجه شدم که تمام کاشیهای فیروزه‌ای که با نقش و نگار سفید و آبی و طلا رنگ تزیین کرده بودند، فرو ریخته به جای آنها کاشیهای جدید به همان ذوق و سلیقه و اسلوب روی آنها ابیات و عبارات زیر به خط زیبای نستعلیق سبک اصفهانی نوشته و نصب کرده‌اند که روی آنها تاریخچه مختصری نیز نگاشته شده است. مطالبی که مربوط به آرامگاه مزبور به این جانب رسیده در زیر برای دوستان صائب قید می‌گردد.

ساختمان آرامگاه میرزا محمد علی صائب تبریزی سراینده بلند پایه نازک اندیشه نغز گفتار (که بسال ۱۰۸۶ هجری در هفتاد سالگی برحمت حق پیوسته است) بر فراز تربت او و در کنار بستانسرایبی که مدفن شاعر بزرگوار و خاندانش بود بنیاد نهاده شد. آغاز ساختمان ۱۳۴۲ و پایان آن ۱۳۴۶ ه ش است.

#### ابیاتی منتخب از افکار نغز و شیوای صائب

تا دراین باغی بشکر آنکه داری برگ و بار      برگ می‌باید فشاند و بار می‌باید کشید

✱

جهان و هر چه دراو هست واگذاشتنی است      بغیر دل که عزیز و نگاهداشتنی است

✱

بعد ازاین صائب سراغ از گوشه دل کن مرا      جای من خالی است در وحشتسرای آب و گل

✱

ما مرکب از این رخنه جهانندیم و گذشتیم      خاکی به لب گور فشانندیم و گذشتیم  
چون ابر بهار آنچه از این بحر گرفتیم      در جیب صدف پاک رسانندیم و گذشتیم  
چون سایه مرغان هوا در سفر خاک      آزار به موری نرسانندیم و گذشتیم

\*

مرگ هیئات است سازد از فراموشان مرا      من همان ذوقم که می‌یابند از گفتار من

\*

می‌توان از سینه روشن ضمیران جمع کرد      گر بشوید آسمان سنگدل دیوان ما

\*

تار و پود عالم امکان بهم پیوسته است      عالمی را شاد کرد آنکس که یک دل شاد کرد

\*

جهان شود لب پر خنده‌ای اگر مردم      دهند دست بهم در گره گشائی هم

\*

از دیگران چراغ نخواهد مزار من      کز سوز سینه شمع مزارم دل خود است

\*

سال‌ها گرد زمین چون آسمان گردیده‌ام      تا چنین روشندل و صافی روان گردیده‌ام  
سبز گردیده‌ام چون طوطی پر و بالم ز زهر      تا در این عبرت‌سرا شیرین زبان گردیده‌ام  
سایه من گرچه می‌بخشد سعادت خلق را      از جهان قانع به مشتی استخوان گردیده‌ام  
چند بیت از غزلی که به تفال از دیوان صائب برای آرامگاه وی آمده است با چند

بیت دیگر حکیم:

خوش آن روزی که منزل در سواد اصفهان سازم

ز وصف زنده رودش خامه را رطب‌اللسان سازم

صبا آسا بگرد سر بگردم چار باغش را

به هر شاخی که بنشیند دل من آشیان سازم

شود روشن دو چشم از سواد سرمه خیز او

ز مژگان زنده‌رود گریه شادی روان سازم

به آن گرمی که من رو از غریبی در وطن دارم

اگر بر سنگ بگذارم قدم ریگ روان سازم

بلند افتاده صائب آنقدر طبع خدا دادم  
 که شمع طور را خاموش از تیغ زبان سازم  
 اگر سکندر از آئینه ساخت لوح مزار  
 چراغ تربت من روشنایی سخن است  
 عمر جاوید بود اهل سخن را صائب  
 کز پس مرگ هم این زنده دلان در سخند  
 مرا ب خاک در دوست آشنایی نیست  
 به آشنایی دل می‌روم به خانه دوست

کار خوب دیگری که انجام داده شد و توجه مرا به طرف خود جلب کرد این است لوح مزارش را که قبلاً همکف محوطه داخلی آرامگاه بود، برداشته و روی سنگ یشمی که به اندازه دو متر در طول و یک متر در عرض و نیم متر بلندتر از کف تالار می‌باشد، نصب کرده‌اند تا حروف و نقوشی که روی سنگ مزار حکاکی شده‌است، بیشتر زیر پاها مالیده و ساییده نشوند ولی متأسفانه دیوار پایین این سنگ در جانب دیوار غربی آرامگاه صائب خالی از نقص نیست. روی آن مقطعه کاران با عجله بدون سلیقه سیمان ناصافی کشیده سعی کرده‌اند که این عیب را بپوشانند. ای کاش! این پهلوی سنگ نامبرده را جانب شرق می‌گذاشتند و روی تخته سنگی دیگر چند کلمه درباره تاریخچه این بنا و یا همین بیت:

ای صبا! آهسته پا بر برگ‌های غنچه نه پاسبانند گل‌ها، صائبا خوابیده است  
 را مقرر و پرچین کاری نموده و پیوندی می‌زدند. در حال حاضر آرامگاه صائب تنها به باغچه‌ای محدود نیست بلکه به صورت مجتمعی درآمدی است. یک طرف آن دبیرستان دخترانه به چشم می‌خورد. روی به روی آرامگاه آن طرف خیابان ساختمان دو طبقه‌ای دیده می‌شود که روی کاشیهای آبی سیر به خط نستعلیق با جوهر سفید مرکز پژوهش‌های صائب را نوشته نصب نموده‌اند. این ساختمان دارای کتابخانه‌ای هست. موقعی که من به آنجا سرزده رفتم، دیدم در یک قفسه تنها دوره‌ای از دیوان صائب

تبریزی<sup>۱</sup> مشتمل بر دو جلد بود که آقای جهانگیر منصور در سال ۱۳۸۴ در تهران توسط مؤسسه انتشارات نگاه به چاپ رسانیده‌اند.

در محوطه آرامگاه صائب کتابخانه دیگری هم دایر است. به آنجا هم رفتم. درباره صائب در آنجا نه تنها چیزی نبود بلکه مسئولین آنجا درباره آن شاعر نامدار اصلاً اطلاعی نداشتند. اگرچه چیزی به من نگفتند ولی از خونسردی آنها فهمیدم که می‌خواستند بگویند که تو یک غیر فارسی زبان با این سخن سرای فارسی زبان چه کار داری؟ از رفتار بی اطلاعی آنها ضرب‌المثل زبان انگلیسی یاد آمد:

Nearer the church farther from God [نزدیک‌تر به کلیسا و از خدا دورتر].

دو نفر جوانک پیش آمدند. از چشمان‌شان می‌توانستم بخوانم که می‌گویند ریزه کاری شعر صائب را هر کس نمی‌تواند درک کند. گفتم: باید بدانید صائب هفت سال در هند بوده. چند نفر هندی که در آن زمان شعر به فارسی می‌سرودند، شاگردی وی را با کمال علاقمندی قبول کردند و به سبک وی شعرگویی شروع کردند و بدین وسیله سبک و یا به اصطلاح آن زمان اسلوب صائب به زبان اردو راه یافت که زبان مادری بنده است. چون بیشتر شعرای اردو، زبان اهالی دهلی را مستند می‌دانند که زادگاه من و نیاکان من است، بدین سبب به شعر صائب علاقه پیدا کردم. در حال حاضر چندین جلد از سروده‌های صائب تحت عنوان «کلیات صائب» و «دیوان صائب» در ایران به چاپ رسیده است. همه آنها انتخاب بزرگی هستند که در آنها شما ریزه کاری‌ها پیدا می‌کنید. من با آنها کاری ندارم. کار اصلی من به دست آوردن دواوینی هست که صائب به وقت برگشتن به ایران در هند گذاشت و یا برای امرای عصر خود مانند جعفر خان که دیوان کل [وزیر دارایی] شاهجهان که یکی از جانشینان تیموریان بآبروی هند بود، فرستاد. من از روی آنها ابیات این سخنور شما را از دیدگاه تحوّل و فکری و تکامل لسانی از زمانی که وی سخن سرایی را آغاز نمود و تا دم واپسین که این جنبه ادامه داشت را، جمع‌آوری می‌کنم. از این صحبت من قانع و قایل شدند و از چشمان‌شان

۱. روی جلد این نسخه چنین قید گردیده است: میرزا صائب تبریزی، علامه شبلی نعمانی. یادی از صائب، دکتر پرویز ناتل خانلری.

فهمیدم که باد بروت‌شان فرو نشست.

آرزو و پیشنهاد من این است که در ساختمان مرکز پژوهشی صائب بخش صائب شناسی دایر گردد و در آن نه تنها درباره صائب بلکه در مورد شاعرانی نیز که همزمان وی بودند - ولو صائب اسامی آنها را در سروده هایش متذکر شده یا نه - کار تحقیق و پژوهش شروع گردد. چندر بهان برهمن (Chandr Bhan Brahman) یکی از مورخین دربار شاهجهان شاه در اثر خود به نام «چهار چمن»<sup>۱</sup> تقریباً اسم هفتاد شاعر زبان فارسی را نام می‌برد که در هند زندگی می‌کردند و برخی از آنها مثل میر الهی، حاذق اصفهانی، صیدی و دیگران به دربار شاهجهان وابستگی داشتند.

من هر وقت برای شرکت در کنفرانس‌ها به ایران می‌آیم، سعی می‌کنم سری به شهر تاریخی اصفهان نیز بزنم و به زیارت مرقد صائب مشرف بشوم زیرا هر مرتبه چیزی نو و جدیدی در آن مشاهده می‌کنم که باعث خوشحالی می‌گردد. اگر حافظیه در شیراز زیارتگاه رندان بوده است، امیدوارم در اصفهان با سعی و کوشش شهرداری آن شهر و فعالیت و علاقمندی آقای مهندس سید مرتضی فرشته نژاد تکیه صائب زیارتگاه عرفا و شعرا گردد.

در آخر بی‌نهایت سپاسگزار آقای مهندس سید مرتضی فرشته نژاد هستم که زحمت کشیده عکس‌های تکیه صائب از زاویه‌های مختلف و همچنین نقشه کف را فراهم کرده برای این جانب ارسال نمودند.

---

۱. با مقدمه و تصحیح این جانب [سید محمد یونس جعفری] چاپ مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، سال ۱۳۸۵، ص ۱۷۷.